PDF Compressor Free Version

یک حبس ابدی عضو این باند مخوف بود

دسیسه‌های شوم مردان تبهکار در قهوه‌خانه



گروه حوادث: ۶ عضو باند دزدان خشن پایتخت قرارها و نقشه هایشان را در یک قهوه خانه طراحی می کردند.

قهوه خانه سلطان آباد

چندی قبل ماموران اداره ۵ پلیس آگاهی تهران اطلاع یافتند یکی از تبهکاران تحت تعقیب به نام مسعود ۲۷ ساله به تازگی با چندنوچه یک گروه سرقت تشکیل داده‌اند.

کارآگاهان اداره ۵ پلیس آگاهی با اطمینان از صحت اطلاعات به دست آمده و با بهره گیری از سوابق «مسعود .د» اقدام به شناسایی محل تردد وی در قهوه خانه های منطقه سلطان آباد کردند.

تیم پلیسی با تحت نظر قرار دادن این قهوه خانه موفق به شناسایی دیگر اعضای این باند سرقت شدند و مشخص شد مرتضی ۲۹ ساله، میثم ۲۷ ساله، مسعود ۲۵ ساله، امیر ۲۹ ساله، نادر ۲۴ ساله و وحید ۲۲ ساله در این سرقت ها حضور داشتند و خیلی زود مخفیگاه متهمان در اسلامشهر و بهارستان ردزنی شد.

همزمان با اقدامات نامحسوس پلیسی برای شناسایی این گروه از دزدان و مخفیگاه های آنها، شکایت های مشابهی مبنی بر زورگیری از افراد رهگذر و عابرین پیاده در سطح شهر تهران بویژه در مناطق یافت آباد، عبدل آباد، نواب، تهرانپارس، نعمت آباد، جیحون، فلاح و ... به اداره پنجم پلیس آگاهی اعلام شد مبنی بر اینکه گروهی از زورگیران با استفاده از موتورسیکلت‌های طرح هوندا ۱۲۵ و آپاچی، در قالب گروه های ۳، ۲ و بعضا ۴ نفره اقدام به زورگیری و سرقت پول، طلا و گوشی‌های تلفن همراه آنها کردند.

کارآگاهان همزمان با شناسایی تمامی اعضای این گروه از سارقان خشن در منطقه سلطان آباد و وقوع سرقت های مشابه زورگیری در تهران، تصاویر به دست آمده از متهمان از سوی طعمه های این باند مورد شناسایی قرار گرفت.

عملیات های همزمان

بدین ترتیب کارآگاهان با دستور بازپرس شعبه ۳ بازپرس دادسرای ناحیه ۳۴ عملیات دستگیری متهمان را آغاز کردند و در چندین عملیات همزمان در اسلامشهر و بهارستان موفق به دستگیری اعضای این باند شدند.

ماموران در زمان دستگیری متهمان و در بازرسی از مخفیگاه های آنها، چند موتورسیکلت طرح هوندا ۱۲۵ و آپاچی متعلق به اعضای گروه نیز توقیف و به پلیس آگاهی منتقل شد که متهمان صراحتا به انجام سرقت های خود با آنها اعتراف کردند.

گفت‌وگو با سارق حبس ابدی

علی ۳۲ ساله یکی از اعضای بان سارقان موتور سوار است که ۶ سال قبل به خاطر انتقال مواد مخدر به کشور مالزی دستگیر شده و به حبس ابد محکوم شده است.

■ **سابقه داری؟**

بله، سال ۹۱ به خاطر انتقال ۸۸۵ گرم مواد مخدر به کشور مالزی در فرودگاه دستگیر شدم و به حبس ابد محکوم شدم.

■ **حبس ابد یا اعدام؟**

حکم اعدام بود که بخشیده شد و به حبس ابد محکوم شدم.

■ **می دانستی اگر در کشور مالزی دستگیر می شدی اعدام شده بودی؟**

نه، اطلاعاتی در این مورد نداشتم.

■ **چقدر قرار بود پول بگیری؟**

۲ میلیون تومان.

■ **فکر نمی کردی دستگیر شوی؟**

نه، وسوسه ام کردند و ادعا می کردند همه چیز هماهنگ شده و بدون هیچ نگرانی سوار هواپیما می شوم و جنس را در کشور مالزی تحویل گیرنده می دهم.

■ **موادرا مشاهده کردی؟**

نه، یک چمدان به من تحویل دادند و قرار بود ۴ روز در کشور مالزی باشم و پس از بازگشتن به ایران پول را پرداخت کنند.

■ **کی از زندان آمدی بیرون؟**

۲ ماه قبل با قرار وثیقه برای مرخصی از زندان بیرون آمدم.

■ **الان به چه جرمی دستگیر شدی؟**

سرقت، زنجیر طلا و گوشی موبایل به شیوه قاپیدن.

■ **در کدام مناطق دزدی می کردی؟**

منطقه پاسگاه نعمت آباد.

■ **چرا دزدی؟**

پول نیاز داشتم به همین خاطر دزدی کردم.

■ **چقدر پول نیاز داشتی؟**

در کمرم یک غده وجود دارد که باید عمل می کردم و نیاز به ۵۰۰ هزار تومان پول داشتم.

■ **چرا از خانواده ات کمک نخواستی؟**

برای آنها کاری نکردم به همین خاطر نمی خواستم به خانواده ام رو بزنم.

■ **ازدواج کردی؟**

۶ سال قبل نامزد کردم و پس از ۲ ماه به خاطر حمل مواد مخدر دستگیر شدم.

■ **همسرت طلاق گرفته؟**

نه.

■ **چه نقشی در سرقت ها داشتی؟**

من روی یک موتور می نشستم و نقش دیده بان داشتم، یعنی همراه دوستانم بودم که اگر روی زمین افتادند یا دستگیر شدند برای فراری دادنشان کمک کنم.

■ **اعضای باند را چطور می‌شناسی؟**

بچه محل هستیم.

■ **پیشنهاد سرقت را دوستانت دادند؟**

نه، خودم از آنها خواستم وارد باندشان شوم.

■ **چرا؟**

به پول نیاز داشتم، وقتی از زندان آزاد شدم یکی از بچه محل ها که تازه از زندان آزاد شده بود را دیدم و ابتدا گفت که دزدی نمی کند ولی از او خواستم مرا به دزدی ببرند تا پول عمل جراحی ام را به دست آورم.

■ **فکر می کردی دستگیر شوی؟**

آنقدر فشار روی من بود که با اطلاع از اینکه دستگیر می شوم دست به دزدی زدم.

■ **در چند سرقت حضور داشتی؟**

در ۲ سرقت با اعضای باند همراه شدم و ۳ میلیون تومان به دست آوردم و نزدیک به یک ماه بود که دیگر دزدی نمی کردم و حتی جواب تلفن همدستانم را نمی دادم.

■ **کجا دستگیر شدی؟**

برای دادگاه مواد مخدر باید به شیراز می رفتم و در فرودگاه بودم که دستگیر شدم.

■ **حرف آخر؟**

آدم نان بزند در آب بخورد ولی خلاف نکند چون ۲ میلیارد هم ارزش زندان و این همه بدبختی را ندارد.

طلاق در دسرساز

رضا ۲۹ ساله که روزی برای خودش کار و درآمد خوبی داشت با اصرارهای دوستانش بعد از جدایی از نامزدش وارد دنیای تبهکاری شد و دست به سرقت زد.

این جوان ادعا می کند به خاطر محل زندگی شان و وسوسه بچه محل ها دزدی کرده و وقتی در مورد نامزدش حرف می زند به آرامی اشک می ریزد.

■ **سابقه داری؟**

سال ۹۳ به خاطر سرقت گوشی قاپی و گردنبند قاپی دستگیر شدم و بعد از ۴ سال آزاد شدم و هنوز ۳ ماه نمی شود که دوباره به زندان برگشتم.

■ **چرا دزدی؟**

رفیق ناباب، یک زمانی سرکار می رفتم و روزی ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان درآمد داشتم که دوستانم به سراغم آمدند و می گفتند که باید تا آخر عمر کار کنی تا یک ماشین بخری و خواستند تا با آنها دزدی کنم و خیلی زود به رویاهایی که دوست داشتم برسم.

■ **سال ۹۳ از راه دزدی چقدر پول به دست آوردی؟**

یکسال دزدی کردم و نزدیک به ۱۲ میلیون پول به دست آوردم.

■ **چرا پس از آزادی دوباره دزدی کردی؟**

نیاز به پول داشتم، باید ۲ میلیون تومان برای اجاره خانه مان تهیه می کردم به همین خاطر تصمیم گرفتم دوباره دزدی کنم و پس از آن سر کار بروم.

■ **چرا سر کار نرفتی؟**

به سراغ صاحبکارم رفتم خواست تا دو ماه منتظر بمانم.

■ **قبل از تو خانواده ات پول از کجا می آوردند؟**

مادرم از کمیته امداد پول می گرفت ولی صاحبخانه پول پیش می خواست.

■ **برادرت کمک مالی نمی کرد؟**

برادرم هم به خاطر سرقت دستگیر شده و ۳ ماه دیگر آزاد می شود.

■ **به جای مادرت بودی چه کار می کردی؟**

شرمنده مادرم هستم و توبه کردم دیگر خلاف نکنم.

■ **ازدواج کردی؟**

بله ولی از هم جدا شدیم.

■ **چرا؟**

سال ۸۸ بود که نامزد کردم و به خدمت سربازی رفتم و پس از ۲ سال، فقط ۳ روز از پایان خدمت سربازی ام تمام شده بود که با مادرزنم دعوا کردم و او نیز طلاق دخترش را گرفت. اگر همسرم از من جدا نمی شد دزدی نمی کردم.

■ **به خاطر همسرت دزدی کردی؟**

رضا در حالی که اشک می ریخت گفت: من دزد نبودم و اگر هزار تومان روی زمین می دیدم مسیرم را تغییر می دادم، آن دوران در آمد خوبی داشتم اما وقتی همسرم از من جدا شد بیکار شدم و دوستانم به سراغم آمدند و من را به اینجا کشاندند.

■ **حرف آخر؟**

دوست دارم مادرم حلالم کند و مرا ببخشد.

اخبار حوادث

داستان عجیب یک زن درباره مرگ خونین شوهرش



گروه حوادث: زن ۵۰ ساله ادعا دارد شوهرش خودزنی کرده و جان باخته است. ساعت ۷ عصر جمعه ۵ مرداد ماه امسال ماموران کلانتری ۱۷۹ خلیج در جریان مرگ مرموز مرد ۶۰ ساله‌ای در یکی از بیمارستان های جنوب تهران قرار گرفتند و خیلی زود تیمی از ماموران برای بررسی های پلیسی در بیمارستان حاضر شدند. ماموران در گام نخست همسر مرد ۶۵ ساله را هدف تحقیق قرار دادند و وی ادعا کرد که همسرش پس از مشاجره با وی اقدام به خودزنی با چاقو کرده است که خیلی زود با امدادگران اورژانس تماس گرفته و شوهرش را به بیمارستان منتقل کرده است. بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس ویژه قتل برای تحقیقات فنی وارد عمل شدند. ادعاهای زن جوان در حالی مورد بررسی قرار گرفته بود که آثار جراحت روی بدن وی نیز وجود دارد که احتمال می رود مرد ۶۵ ساله در یک درگیری با همسرش به کام مرگ فرو رفته است.

■■■

ترانزیت گوشی‌های سرقتی به خارج!



گروه حوادث: جیب بر حرفه ای، گوشی های موبایل سرقتی را به صورت غیرقانونی از مرز کشور خارج می کرد و به فروش می رساند. روز ۲۳ تیرماه امسال ماموران پلیس مترو تئاتر شهر با سر و صدای مسافران ایستگاه متوجه درگیری ۲ مرد جوان شدند و با حضور در صحنه مشخص شد که پسر قد بلند و لاغر اندام اقدام به سرقت گوشی موبایل یکی از مسافران کرده که صاحب گوشی متوجه ماجرا شده و دزد جوان را به کمک دیگر مسافران زمینگیر کرده است. بدین ترتیب متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پایگاه ۸ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و در حالیکه پلیس ۲ گوشی سرقت از متهم به دست آورده بود اما این جیب بر حرفه‌ای اصرار بر بیگناهی داشت. تجسس ها ادامه داشت تا اینکه طعمه های پسر جوان او را به عنوان همان جیب بر حرفه‌ای معرفی کردند و همین کافی بود تا دزد جوان به سرقت هایش اعتراف کند. دزد جوان در اعترافاتش گفت: به شیوه جیب بری در مترو و اتوبوس های BRT در تهران از مسافران دزدی می کردم و گوشی های سرقتی را به صورت غیرقانونی از مرزهای شرق ایران خارج می کردم و به فروش می رساندم. بنابه این گزارش، بازپرس پرونده با توجه به گسترده بودن سرقت های این جیب بر حرفه‌ای با تقاضای چاپ عکس متهم خواست تا کسانی که در دام دزدی های وی گرفتار شده است به پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

■■■

مرگ ۳ کارگر با تصادم خودروی راننده مست

برخورد یک خودرو ۲۰۷ با گاردریل ۳ نفر را به کام مرگ کشاند. سردار محمدرضا مهماندار، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ در این باره گفت: ساعت ۶:۴۰ صبح دیروز خودروی پژو که در مسیر غرب به شرق بزرگراه بابایی در حال حرکت بود که روی پل هنگام از مسیر خود منحرف شده و به گاردریل کنار بزرگراه برخورد کرد. مهماندار با بیان اینکه در این حادثه خودروی پژو با ۶ نفر از کارگران فضای سبز شهرداری برخورد کرد، گفت: این افراد منتظر سرویس خود برای جابه‌جایی بوده و در فضای حاشیه بزرگراه نشسته بودند که متاسفانه در اثر این برخورد سه نفر در دم جان خود را از دست دادند و ۳ نفر نیز به بیمارستان منتقل شدند. به گفته وی، شدت ضربه تا حدی بوده که دو نفر از این افراد در اثر برخورد با خودرو به فضای سبز اطراف پرتاب شدند. رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ همچنین اظهار کرد: متأسفانه در تستی که از راننده و سرنشینان این خودرو به عمل آمد مشخص شد که ۳ نفر از این افراد حالت طبیعی نداشته و مشروبات الکلی مصرف کرده بودند.

خبر

دیروز در دادگاه کیفری تهران صورت گرفت

دفاعیات دزدان میلیونی صرافی در قلب پایتخت



گروه حوادث: پسردایی و پسرعمه که مسلحانه به صرافی فردوسی دستبرد زده بودند دیروز پای میز محاکمه ایستادند.

این دزدان ۶۵ میلیون تومان دلار و یورو سرقت کرده بودند و در رویای ثروت خود را گرفتار کردند.

روز سرقت

سرقت مسلحانه ساعت ۱۳:۳۰ ظهر بیست و هشتم بهمن ماه سال ۹۵ رخ داد که طی آن دو مرد جوان که کلاشینکف در دست داشتند وارد یک صرافی در خیابان فردوسی شدند تا نقشه سرقت مسلحانه را کلید بزنند.

دزدان با تهدید کارمندان شروع به جمع آوری دلارها کردند ولی با مقاومت صاحب صرافی روبه رو شدند.

در این شرایط یکی از دزدان دست به تفنگ برد و به پای مرد میانسال شلیک کرد.

۴۸ ساعت بعد

دزدان با سرقت ۶۵ میلیون تومان دلار و یورو از صرافی گریختند اما پلیس دو روز بعد رد آنها را در منطقه کوهدشت استان خرم آباد یافت و دو دزد جوان که پسرعمه و پسردایی هستند صبح هفتم اسفند ماه همان سال بازداشت شدند.

آنها به مشارکت در سرقت مسلحانه اعتراف کردند و گفتند پرایدی را که سوار بر آن به صرافی رفته و بعد از اجرای نقشه شان با آن گریخته بودند مدتی قبل زورگیری کرده بودند.

در دادگاه

دو دزد مسلح دیروز در حالی در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محسن زالی بوئینی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستادند که توانستند رضایت صاحب پراید و یکی از کارمندان صرافی را جلب کنند. ولی صاحب صرافی که از ناحیه پا تیر خورده بود قبلا در خواستش مبنی بر اشد مجازات را برای آنها مطرح کرده بود.

در ابتدای این جلسه فرشاد ۲۶ ساله که با قرار وثیقه یک میلیاردی آزاد بود در برابر اتهام مشارکت در سرقت پراید و سرقت مسلحانه به دفاع پرداخت و گفت: آن زمان بی کار بودم. همسرم باردار بود و ما وضع مالی خوبی نداشتیم. یک روز که در خانه عمه‌ام با امیر در حال تماشای فیلم فرار از زندان بودیم تصمیم گرفتیم تا به یک صرافی دستبرد بزنیم.

وی ادامه داد: به همین خاطر دو روز قبل از سرقت از صرافی در حوالی دهکده المپیک به عنوان مسافر سوار یک پراید شدیم. در حوالی توبان همت بودیم که من به دروغ گفتم حالم شد شده و از راننده خواستم ماشینش را متوقف کند. من از ماشین پیاده شده بودم که امیر از پشت ،گردن راننده را گرفت و او را تهدید کرد. من پشت فرمان نشستم و به این ترتیب پراید را سرقت کردیم. من قبلا در بازجویی ها گفته بودم به روی راننده پراید چاقو کشیدیم و به صورتش گاز اشک آور زدیم. اما این ماجرا دروغ است. من تحت فشار روانی چنین ادعایی را مطرح کرده بودم. ما بعد از سرقت پراید دو ساعتی در خیابان فردوسی پرسه زدیم تا سوژه مناسبی بیابیم. سپس با هم به داخل صرافی رفتیم. ما قصدمان فقط سرقت بود و نمی خواستیم به کسی آسیبی بزنیم.

وی ادامه داد: مرد صراف دلارها را روی زمین ریخت تا به دردسر بیافتیم. ما مقداری از دلارها را داخل کیف گذاشتیم. مرد صراف به سمت‌مان آمد و من که خیلی ترسیده بودم یک تیر به پای او شلیک کردم.

این متهم در حالی که سرش را پایین انداخته بود و اشک می ریخت گفت: دلارهای سرقتی دست پسرعمه‌ام بود و قرار بود آنها را با هم تقسیم کنیم اما هرگز فرصت تقسیم پیدا نکردیم. ما حالا توانسته‌ایم رضایت دو شاکی را جلب کنیم و حالا در تلاش برای جلب رضایت صاحب صرافی هستیم.

وی ادامه داد: باور کنید از این سرقت چیزی نصیبم نشد و به زندان افتادم. من صاحب یک فرزند خردسال هستم و تقاضا دارم به خاطر همسر و فرزندم در مجازاتم تخفیف قائل شوید.

سپس وکیل وی به دفاع پرداخت و گفت: ما برای جلب شکایت شاکیان تلاش کردیم و رضایت دو نفر از آنها را گرفتیم. ولی وقتی برای جلب رضایت سومین شاکی رفته بودیم متوجه شدیم به زندان اوین رفته است. به همین خاطر در جلب رضات ناکام ماندیم.

سپس امیر ۲۵ ساله که از زندان به دادگاه منتقل شده بود گفت: می خواستم مقدمات جشن عروسی ام را فراهم کنم ولی چون شغل مناسب نداشتم، این کار ممکن نبود. به همین خاطر با پسر دایی ام تصمیم به سرقت گرفتیم. من اسلحه را به مبلغ ۴ میلیون تومان خریده بودم و هدف ما از تهیه اسلحه فقط ترساندن صاحب صرافی بود. ما قرار نبود به کسی شلیک کنیم. بعد از سرقت من دلار و یورو ها را داخل ساک گذاشتم و از صرافی خارج شدیم. ما در میان راه پراید سرقتی را رها کردیم و با اتوبوس به خرم آباد رفتم. من توانستم مقداری از دلارها را به ریال تبدیل کنم اما قبل از اینکه بتوانم سهم فرشاد را بدهم بازداشت شدیم.

بنابه این گزارش؛ در پایان جلسه هیت قضایی وارد شور شدند و با توجه به اظهارات متهمان عنوان اتهامی امیر را به مباشرت در سرقت مسلحانه و عنوان اتهامی فرشاد را به معاونت در سرقت مسلحانه تغییر دادند. قرار است هیات قضایی به زودی برای دو متهم حکم صادر کنند.